

خارج اصول استاد مروّجی دامت برکاته یک‌شنبه ۴ آذرماه ۱۳۸۶ بحث جبر و اختیار فرمایش نائینی ره را دیروز عرض کردیم لب کلام ایشان اراده غیراِختیاری است ولی اِختیاریت فعل به امر دیگری است که اسم اش را طلب یا تصدی نفس برای انجام کار می‌گذارد که معلول اراده نیست در واقع برای انجام کار اراده و مقدمات اراده لازم است ولی کافی نیست چیز دیگر این است که به خواهد انجام دهد یا نه متصدی به شود و تلاش کند یا نه؟ و این امر اِختیاری است و اِختیاریت فعل به این خاطر است. خلاصه فرمایش ایشان

اصل مطلب وجدانی است ولی مقدمات و مقدمات اراده ایشان بعضی قابل خدشه بود

جواب چهارم از شبهه اشاعره، جواب محقق حائری، موسس حوزه قم تنها فرزند پدر و مادرش بود واحد کالف بل که کای لاف ایشان از اوتاد بوده واقعاً عالم وارسته ای بوده مسلط به هوای نفس بوده مرحوم حکیم ره در اوایل مستمسک بحث اجتهاد و تقلید می‌گوید از شرایط مرجع عدالت باشد بعد التا و التی که ادله خدشه می‌کند می‌گوید الانصاف یصعب جدا بقاء العداله مع المرجعية ایشان در جواب اشاعره این مطلب را دارد البته در جواب آخوند که اراده اِختیاری است یا نه این را گفته است امام هم این را نقل می‌کند، خلاصه فرمایش حاج شیخ این است: اراده ۲ جور است گاهی اراده به چیزی تعلق می‌گیرد که خود فعل متعلق مصلحت است یعنی مصلحت در مراد است و اراده طریقت دارد اصل مصلحت در مراد است اراده می‌کند آب به خورد چون آب رفع عطش می‌کند اراده صدقه به دهد چون باعث طول عمر است خود فعل مصلحت دارد انجام می‌دهد گاهی اراده موضوعیت دارد، خود اراده مصلحت دارد الارادة ذات مصلحة مثل کسی ماه رمضان نمی‌خواهد روزه به خورد مسافر هم هست مصلحت هم نیست ده روز به ماند فقط به خاطر ماه رمضان قصد ده روز می‌کند والا ده روز کار ندارد، حالا این جا مصلحت در خود قصد است چون تمامیت نماز در قصد عشره نه واقعیت عشره لذا اگر بعد پشیمان شود نماز کامل و روزه ای که گرفته درست است، خود

قصد منفعت دارد که قضا روزه گردنش نیاید ، مصلحت در خود قصد است ، این جا قصد می کند ، که قصد ده روز به کند ، و لو قضا را به گیرد نمی خواهد از فیض رمضان محروم شود ، می تواند قصد هم نه کند مصلحت در خود قصد است جایی که مصلحت در خود فعل است اراده می کند فعل را ، خود اراده مسبوق به اراده دیگری نیست ، خود اراده امر اختیاری است تا به گویند آن اراده دیگر آیا اختیاری یا غیر اختیاری اگر اختیاری باشد منوط به اراده دیگری باشد ، نه منوط به اراده دیگری نیست تا به گویی تسلسل لازم می آید وقتی فعل را ملاحظه می کند تصور تصدیق عزم جزم و بعد اعتراف به این که مصلحت دارد ،

ولی در این جا خود اراده مصلحت دارد اراده دیگری می خواهد از افعال نفس می شود و خود این اراده فی حد ذاتها مطلوب است خود مقام عشره مطلوب نیست بنا می گذارد که قصد کند به خاطر گرفتن روزه قصد ده روز کند این جا مسبوق است به اراده دیگری چون خود این فعلی است از افعال نفس می شود متعلق اراده خود این قصد مراد است خود اراده مراد است جای فعل را می گیرد خود اراده جای افعال است مثل سایر متعلقات اراده است مسبوق است به اراده دیگر به اختیار خود انسان است ، پس اراده امر اختیاری مسبوق به اراده دیگری است چون جایی که خود فعل مصلحت دارد مسبوق به اراده دیگری نیست فقط یکی است این جا دو اراده است ، امام ره اشکال می کند ، می فرماید این جا بحث عقلی است ، بحث استظهار عرفی و عقلایی نیست امام ره در بحث طلب و اراده امام ره مقدمه می چیند که کلاً مباحث عقلی و عرفی جدا هستند آیات را هم جدا می کند آیات احکام ظهور عرفی ملاک است احل الله البیع ، اوفوا بالعقود ، اوفوا بالعهد ، ولی آیات توحید معاد و امور عقلی استظهار عرفی به درد نمی خورد حکم عقل به درد می خورد و الا اگر ظاهر را به گیرد الرحمن علی العرش استوی ظاهر خدا روی کرسی نشسته است که قطعاً مراد نیست ، یا جاء ربک و الملک صفا صفا کجا آمد کجا بود که بیاید ؟ ظاهر از جایی به جای دیگر می رود که

نمی‌شود این جور معنا کرد این جا عقل حاکم است نه استظهار عرفی بر این اساس امام ره می‌گوید بحث ما در این جا یک امر عقلی است نه عرفی و عقلایی، لذا با این مثال مثلاً قصد ده روز روزه به کند حل نمی‌شود، بعد اشکال می‌کند که این که می‌گویید اراده اختیاری است، لذا با اراده، اراده می‌کند خود اراده مصلحت دارد خوب آن اراده دیگر چطور مسبوق به اراده است یا نه؟ اگر هست یتسلسل، اگر مسبوق نیست اختیاریت اراده به چیست؟ اراده دوم که متعلّق اراده اول است اختیاری است، با اراده خود قصد ده روز می‌کند این اختیاری است، این مسبوق به اراده ای است چون اراده مصلحت دارد قصد می‌کند قصدی به کند، آن اراده قبلی آن چی اختیاری است یا غیر اختیاری؟ اگر غیر اختیاری است این اثر آن است و باید غیر اختیاری باشد اگر اختیاری است یعود المحذور

اقول این فرمایش امام کم لطفی است یا مقرر قلم اش رسا نبوده حائری نگفته عرفی است ایشان به وجدان تکیه می‌کند مگر در امور عقلی برهان و وجدان به درد می‌خورد خیلی اوقات مسایل اعتقادی را به وجدان حل می‌کنند اُفی الله شک؟ فاطر السماوات والارض، حائری کی ادعا کرده امر، امر عرفی است و ظهور عرفی حجت است؟ ایشان جواب تسلسل را می‌دهد، آن‌ها می‌گویند افعال اختیاری است سر از تسلسل در می‌آورد، جواب می‌دهد که امر عقلی است جواب می‌دهد که اراده به اختیار می‌آید اراده ای که به فعل تعلق می‌گیرد مسبوق به اراده دیگری نیست ولی آن اراده ای که خودش مصلحت دارد مسبوق به اراده دیگری است ولی همان جا تمام می‌شود دو تا بیشتر نیست جایی که فعل مصلحت دارد یک اراده بیشتر نیست ادعا ایشان این است، جایی که خود اراده مصلحت دارد دو اراده داریم نه بیشتر، اراده ای که متعلق اراده دیگری است خود فعل نفس است و مصلحت دارد مثل آب و غذا خوردن مصلحت دارد ولی همان جا تمام می‌شود مسبوق اراده دیگری نیست بله شمامی توانید به گویید بالاخره ملاک اختیاریت چی است؟ این را بیان کنید؟

این را ایشان شاید خوب توضیح نداده ، پس بالاخره شما که می گوئید انقطع تسلسل در اولی یک اراده است در دومی که دو اراده است اراده دوم که مسبوق به اراده اول است به عنوان که فعل نفس است و مصلحت دارد ، انقطع تسلسل ، ملاک اختیاریت چیست؟ او ادعا کند وجدان است اگر کسی به خواهد رد کند جواب بدهید که نه خلاف وجدان است والا فرمایش ایشان عقلی است به عقل تمسک می کند که روشن کند اختیاری است که ده روز به ماند و ۸ روز به ماند لذا اشکال ایشان وارد نیست

این جا دو اراده است یک اراده جانشین فعل است در واقع مصلحت دارد یک اراده که اراده می کند این را که می شود مثل بقیه اراده ها

فرمایش ایشان این جا با نائینی با تفاوتی البته به یک چیز برمی گردد ایشان اراده را اسم اش گذاشته حب اکید شوق اکید آن را اسم اش را گذاشته اراده و تلاش و قصد را غیر اراده می داند ولی ایشان نه اراده را همین می داند حرف ایشان بی اشکال تر از حرف نائینی است ، اراده را شوق اکید ندانسته که اشکال پیش بیاید اراده با شوق اکید فرق می کند

اما جواب ۵ برای آقای بروجردی این جا ندارد در بحث تعبدی و توصیلی به مناسبت قصد امر می تواند در امر لحاظ شود صلّ به قصد الامر در عبادات که قصد امر شرط است می توانند در یک امر هم خود مامور به را امر کنند هم این که با قصد انجام به دهد ؟ یا نه آن قصد را به امر دیگری باید به دست آوریم؟ صل یعنی نماز به خوان به قصد امر باید یک امر دیگری بیاید ، آخوند می گوید محال است، ایشان آن جا می گوید اختیاریت هر چیز به اراده است ولی اختیاریت اراده به خودش است ، ذاتی اش است اختیاریت هر چیزی به قصد است ولی اختیاریت اراده به خودش است تری هر چیزی از آب مایع است تری مایع از خودش است امام به این هم اشکال دارند در حاشیه کفایه ظاهر بحث تعبدی و توسلی دلیلی می آورد که اراده و قصد امر اختیاری است دلیل می آورد که قصد امر

اختیاری است ایشان اراده و قصد را یکی می‌داند ما در اسلام جاهایی که امر به قصد شده یا نهی شده مگر می‌شود امر و نهی به امر غیر اختیاری شود؟ مثلاً امر به اخلاص، اخلاص یعنی چه؟ یعنی قصدت را لله بکن، یعنی قصد لله مأمور به است، یعنی امر به خود اراده تعلق گرفته عبادت دو چیز می‌خواهد، هم قصد، اصل قصد که غفلتاً انجام نه گیرد در مقابل توصیلات و هم این که قصد برای خدا باشد، می‌داند این کار نماز است غذا خوردن نیست و لی کافی نیست باید برای خدا انجام دهد، پس اراده امر اختیاری است ریا نکن، ریا یعنی چه به قصد ارائه به غیر انجام نده اگر اراده غیر اختیاری باشد نمی‌شود نهی تعلق به گیرد از گناهان کبیره است مفسد عمل است، پس اراده امر اختیاری است سرجمع فرمایش ایشان و حائری شاید به یک چیز برگردد بر می‌گردانند به وجدان که وجداناً خود اراده منشاء اختیاریت هر چیزی است و خود اراده امر اختیاری است

فرمایش نائینی امر دیگری داریم که منشاء اختیاریت است و غیر اراده است نزاع لفظی است به یک معنا ایشان اسم اراده را به شوق اکید گذاشته که شوق اکید امر غیر اختیاری است شما وقتی چیزی را دیدید خوب است خودبخود عشق به آن پیدا می‌کنید غیر اختیاری است اسم آن را اراده گذاشته حرکت به طرف فعل را هم اسم اش را گذاشته

ولی دو بزرگوار ظاهر این است که شوق اکید اراده نیست، اراده قصد است یعنی یک پله بعد از آن است بعد از تصور و تصدیق و عزم و جزم و شوق حاصل شد حتی شوق حاصل نشد گاهی انسان شوق ندارد ولی اراده می‌کند، به قصد حرکت به طرف عمل آن اراده است و امر اختیاری است نائینی خود رفتن به طرف عمل اختیاری است پس محتوای به یک چیز بر می‌گردد تمام افعال ما با اراده ما سر می‌زند اختیاری است حالا یا اراده اختیاری است مثل دو بزرگوار یا امر دیگری دخالت دارد که آن اختیاری است و منشاء آن هم وجدان است و قبول داریم و دومی را بیشتر قبول داریم اراده را امر اختیاری می‌دانیم اراده را شوق اکید نمی‌دانیم فرمایش امام را هم مطالعه کنید به

بینیم چیز تازه ای است یا نه؟ بعد می رویم سراغ آیات یک اشکال دیگر هم اشاعره دارند که آخوند مطرح می کند جواب آخوند این است اراده علم به نظام اکمل است روایات جبر و تفویض هم هست اگر جمع آوری کنید به دست ما دهید خوب است

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

<http://zokr.com>

Copyright © Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است